

تداوم - متوقف، باز - بسته، درون - بیرون، توأم با نظم هندسی در اندیشه فلسفی، ادبی و نیز در اندیشه مربوط به دیگر فعالیت‌های هنری حضور دارند.

اهمیت رعایت این اصول در تمامی اقدامات آفریننده فرهنگی این سرزمین از جمله هنرهای ایجاد گرانه مانند هنر باغ سازی همواره آشکار است.

اگر باغ از عناصر معدود درخت، شاخه، آب، ... روی زمینی محدود در ترکیبی روشن و نظم ساده و هندسی شکل گرفته است آن چنان والایی را ارائه داده است که انسان در آن محیط می‌تواند به آنچنان مکاشفه‌ای پرواز گونه دست یابد که:

«در آب به جز عکس رخ دوست نیبم در شاخه به جز حالت مستانه ندانم»

کلید واژه:

وضع پیرامونی - والائیت - محدودیت - معدودیت - مظهر - خانه - مقیاس کوچک‌وار و بزرگ‌وار - مکاشفه - لایزال بودن - عوارض زمین.

مقدمه:

مداخله انسان در تشکیل باغ علاوه بر اتکا به عناصر اصلی و ساده آب، هوا، خاک، خورشید، به جوهر زندگی بخش آنها نیز توجه می‌کند. این مداخله انسانی اکثراً طبیعت سرسبز را از حالت صددرصد طبیعی برخی از اقلیم‌ها به حالت انسان ساز تبدیل می‌کند. انسان از هوا به نسیم آن و از خاک به حاصل‌خیزی آن و از خورشید به اشعه ملایم آن توجه می‌کند و عنصر آب را با تدابیر مختلف به آنها می‌افزاید و به محیط زندگی خود صفا و آرامش می‌بخشد. بدین سان، باغهای ایرانی، در مقیاس‌های گوناگون از باغ شکارگاه مانند طاق بستان، باغ دره‌ها مانند باغ سعدآباد تهران، باغ اندر باغ‌ها مانند باغ‌های صفوی در مرکز شهر اصفهان، تا باغ در اشکال متنوع آن، از جمله پردیس، گلستان، گلزار، گلشن، گلگشت و ... آفریده می‌شوند.

عناصر چهارگانه در باغهای ایرانی، هر کدام به طور جداگانه، و همچنین در توأم بودن با هم، جایگاه ویژه خود را دارند. با این عناصر و با محصول آنها به اندیشه ایجاد محیط دلپذیر برخورد می‌شود. باغ در درجه اول بر اساس رستنی‌ها، به ویژه درختهای سایه‌افکن و درختهای میوه، شکل می‌گیرد. در محیط باز باغ گیاهان عناصر متشکله فضا هستند و بناهای مختلف محیط بسته را در رابطه با فضای باز شکل می‌دهند و به نیازهای زندگی در فضای بسته پاسخ می‌گویند. با فضای میانی، مانند ایوان، رواق، ستونستان، بهارنشین و کوشک، پیوند میان فضای باز و فضای بسته تأکید می‌گردد. سایه و روشن نیز در فضای باغ ایرانی سهم پراهمیتی دارد. این سایه روشن زمانی منتج از درختان و زمانی منتج از عناصر انسان‌ساز مانند چادرها و ستونستان‌ها زیر تابش

باغ در مفهوم باغ¹

دکتر محمدامین میرفندرسکی

چکیده

عشق به زندگی و طبیعت ریشه‌های عمیقی در تاریخ و فرهنگ مردم ایران زمین دارد.

مفاهیم عقیدتی و رفتاری در هسته‌های این تمدن نشان می‌دهد که انسان برای زندگی در طبیعت به ویژه طبیعتی سرسبز تلاشی داریم داشته است. در اقلیم اکثر گستره‌های ایران زمین، سرسبزی به خودی خود در اختیار انسان نیست لکن عناصر تشکیل‌دهنده این سرسبزی، یعنی آب، هوا خاک و خورشید (آتش) این چهار عنصر مقدس حیات (در افکار ایرانی) حضور دارند و نیازمند به فکر، تصمیم، و اقدام انسان هستند تا در شرایطی معین توأم آفریننده سرسبزی باشند.

زمین‌های بایر کوهستانها و صحراهای خشک، شیفتگی خاصی برای ساکنین این مرز و بوم نسبت به طبیعتی جادار که در حوزه‌های محدود حیات می‌یابند، به وجود می‌آورد.

در دشتها و کوهستان‌های خشک و بسیار وسیع به دره‌های سرسبز و خرم و یا چشمه ساری حیات آفرین برخورد می‌شود که در گستره‌ای بسیار محدود، کیفیت والایی را در برابر دامنه‌های وسیع از طبیعت خام ارائه داده است.

رابطه میان کیفیت و کمیت یعنی رابطه میان محدودیت و والائیت در تفکر مردم این سرزمین تحت‌تأثیر جو محیطی خود جایگاه ویژه‌ای دارد.

تحت‌تأثیر همین جو محیطی انسان آموخته است که عناصر چهارگانه مقدس به مثابه عناصری محدود (معدود) در ترکیب‌هایی روشن، به آفرینش متنوع و لایزالی دست یافته‌اند. بنابراین تفکر فلسفی علاوه بر تقابل میان «محدودیت» و «والائیت» به دو اصل دیگر یعنی تقابل میان «معدودیت» و «لایزال بودن» نیز مجهز می‌گردد. آفرینندگان باغ با شناخت دقیق از اجزای طبیعی و مجموعه کیفیت‌ها و روابط آنها با بکارگیری عناصر مادی موفق به ایجاد فضایی معنوی می‌گردند. انسان در این فضای آرام و پرضمن که خود خالق آن است جزیی از آن نیز می‌شود. و به مکاشفه رازها و حقایق می‌پردازد.

مشاهده طبیعت، بویژه آسمان و در آن حرکت ستارگان و خورشید به انسان حس جهت، شرق - غرب، شمال - جنوب، و دیگر حسهای نظم، ترکیب، زمان، و همچنین حرکت را القا کرده است. که به نوبه خود از نظم ساده‌ای خبر دارد که می‌تواند با صراحت موجود در محدودیت و والائیت و معدودیت و لایزال بودن همخوانی داشته باشد. این نظم ساده هندسی است که در متن اندیشه مربوط به آفرینش هر هنر تجسمی یا تفکری حضور دارد. محدودیت در برابر کیفیت و معدودیت در برابر لایزال بودن تنها تقابل در اندیشه ایرانی نیستند دیگر تقابلهای از جمله سایه - روشن،

¹ از مجله هفت شهر شماره 3

خورشید و گردش سایه‌ها تنوعی در ژرفش فضاها ایجاد کرده و گفتگوی فضاها را القا می‌کند. این گفتگوی میان سایه و روشن، باز و بسته، پر و خالی، با صدای نسیم در شاخه‌ها و برگها و صدای آب که می‌رود و پرنده‌ای که می‌خواند توأم می‌گردد. و بدین‌سان عناصر مادی ذهنیت یافته و فضای معنوی برای زندگی، برای نظاره و برای بهره‌مندی و مکاشفه انسان حیات می‌یابد.

باغ ایرانی

فرایند شکل‌یابی باغ به موضوعات مختلفی با رعایت اصول معینی می‌پردازد.

1- موقعیت و جایگاه باغ (نظام استقرار)

باغ ایرانی برای بهره‌مند شدن از هوای آزاد، نور، خاک و آب به جایگاهی نیازمند است که در معرض وزش باد ملایم و نسیم و آفتاب لازم و سایه کافی و خاک حاصل‌خیز قرار گرفته و به آب، این ماده حیات‌بخش، دسترسی داشته باشد.

مورد دیگر مربوط به جایگاه و وضع عوارض زمین آن است. باغ به صورتی روی زمین قرار می‌گیرد که حرکت آب از بالاترین نقطه در باغ، احتمالاً از محلی که ظاهر می‌شود، «مظهر خانه»، به سراسر گستره باغ ادامه یابد.

بنابراین عوارض زمین، در موقعیت‌های مختلف، در شکل باغ تأثیر دارد. مسطح‌ترین باغها آب را به آرامی در نهرا، حوضها، و حوضچه‌ها حرکت می‌دهند و در مسیر آب، رستنی‌ها و درخت-کاری‌ها، چه به صورت خطی و چه به صورت نقطه‌ای در کرت‌ها، آب می‌خورد. در پر فراز و نشیب بودن زمین، آب با ایجاد آب‌شورها و آبشارها، در تقسیمات مختلف‌السطحی به حرکت در می‌آید و بدینسان شکل دلپذیر «باغ تخت» ایجاد می‌گردد.

باغ ایرانی به موقعیتی نیازمند است که علاوه بر جریان نسیم و جریان آب و خاک حاصلخیز که شروط اولیه برای رشد درختان، ریاحین، و گلها را به وجود می‌آورد، بتواند منظر دلپذیری را برای باغ عرضه دارد. وضع پیرامونی باغ نقش عمده‌ای در منظر آن ایفا می‌کند. باغ می‌باید برای استفاده از مناظر اطراف به «دیدرو»های ممتد، در درجه اول در جهت حول محور اصلی خود، مجهز باشد. برای رؤیت هرچه ژرف‌تر منظر در طول باغ، دیدروی اصلی بر خیابان مرکزی، محور اصلی باغ، منطبق می‌باشد.

شیوه کاشت درختان، حرکت ممتد آب، و همچنین گلکاری‌های در محور اصلی، سعی در آزادی بخشیدن به دیدروی مرکزی در امتداد طویل‌ترین ضلع باغ به طرف دشت و صحرا و افق لایتناهی دارد. همانطور که اشاره شد در باغ دیدروهای دیگری وجود دارند که تابع تقسیم‌بندی خیابان‌های فرعی، نحوه حضور بناهای باغ و دیگر مناظر پیرامونی می‌باشند.

باغ در گستره‌های طبیعی و یا در گستره‌های شهری می‌تواند به صورت باغ منفرد مطرح گردد در این صورت اغلب، آب را این باغ منفرد به خانه‌ها و کشتزارهای اطراف جریان پیدا می‌کند. در صورتی که در مسیر آب، باغ دیگری شکل گیرد آن باغ نیز منفرد بوده و در رابطه بافاصل با باغ اصلی قرار نمی‌گیرد. موقعیت دیگر، زمانی است که در گستره‌های طبیعی و یا در گستره‌های شهری توسعه باغ به صورت پیوسته مطرح می‌باشد. در این حالت منطقاً مسیر حرکت آب و همچنین عوارض زمین در انتخاب جانب توسعه نقش مهمی دارند و «باغ اندر باغ» ها شکل می‌گیرند. باغ ایرانی در هر مقیاس که باشد به غیر از نظام استقرار از نظام‌های دیگری نیز تابعیت می‌کند که عبارتند از:

میراث غنی کشور ما در مورد نقش باغ در ساختار شهری، امروزه می‌تواند راهنمای ارزنده‌ای در برنامه-ریزی‌های شهری متکی بر مفاهیم طراحی شهری باشد.

2- نظام ساختاری:

مهمترین اصل در طرح اندازی باغ ایرانی نام ساختاری آن است که بر پایه نظم هندسی قرار داد. باغ ایرانی با محورهای عمود بر هم - محورهای اصیل و محورهای فرعی - تقسیم‌بندی شده است و دیوار مرکزی پیرامون آن را احاطه می‌کند. اقدامات بنایی و ساختمانی در باغ ایرانی علاوه بر ایجاد دیوار مرکب پیرامونی به دیوارک‌های «سطح‌شکن»، پله‌ها، سطوح مفروش پیاده‌راه‌ها، نهرا، حوض‌ها، و استخر می‌پردازد که همگی از نظم هندسی باغ تبعیت می‌کنند و درواقع منظر زمین باغ را به وجود می‌آورند. فضاهای باغ، یا درخت‌های بلند سایه‌افکن تعریف می‌شوند، لکن عمده‌ترین فعالیت‌های بنایی که فضای باغ را تشکیل می‌دهند متوجه ایجاد ساختمان‌های بالنسبه اصلی می‌گردد. ساختمان‌های

اصلی در دو مقیاس مطرح هستند. مقیاس «بزرگوار» که در فضای اصلی باغ مشارکت دارد و مقیاس «کوچکوار» که پیرامون باغ را تعریف می‌کند. در مقیاس بزرگوار، سردر خانه، کوشک و عمارت بالاخانه که معمولاً در محور اصلی قرار دارند ساخته می‌شوند و در مقیاس کوچکوار بناهای فرعی مانند حمام و بناهای مربوط به دیگر خدمات در جدارۀ دیوارهای جانبی قرار می‌گیرند که ورودی آنها زمانی ساده و زمانی مرکب در دیوارها خودنمایی می‌کنند. بناهای اصلی و بزرگوار در باغهای ایرانی اغلب به زندگی «بیرونی» اختصاص دارد و بناهای مربوط به زندگی «اندرونی» به شکل حیاطهای نسبتاً کوچک یا اطاق‌های اطراف در سمت مقابل ورودی معمولاً در بالهای دوطرف بالاخانه قرار می‌گیرند. بناهای کوچکوار نظم فضای اصلی و هندسۀ باغ را بر هم نمی‌زنند.

در نمای مربوط به سردر خانه او نمای مربوط به بالاخانه عناصر ساختمان دیگری مانند حیاطهای کوچک و یا ایوان‌های مشخصی مشرف به باغ قرار می‌گیرند که حیاط مظهر خانه از عمده‌ترین آنها می‌باشد.

به غیر از باغهای منفرد، مجموعه باغها نیز از نظام ساختاری ویژه خود تابعیت می‌کند. زمانی که باغ اندر باغها مجموعه واحدی را شکل می‌دهند، در فاصلۀ باغها به غیر از دیوار، بناهای مشخصی قرار می‌گیرند. بنای ورودی اصلی به صورت سردر خانه در جلوی باغ بیرونی واقع شده است. و در انتهای این باغ عمارت بالاخانه شکل می‌گیرد که به باغ دیگری هدایت می‌کند. معمولاً این باغ، «باغ اندرونی» یا «باغ خلوت» نام دارد که پردیس نیز نامیده می‌شود. در صورتی که تسلسل باغ اندر باغ با دربرداشتن سلسله‌ای از عمارات، جنبۀ «اندرونی» نداشته باشند باغ اندر باغها همگی باغهای «بیرونی» را شکل می‌دهند که هیچکدام آنها به صورت پردیس، تنها متعلق به محارم صاحب‌خانه اصلی نیست.

زمان دیگر به غیر از باغهای منفرد که در محلهای مختلف شهرواقع می‌شوند، باغ اندر باغها به صورت مجموعه‌ای کامل در گسترۀ شهری در دو جانب محور اصلی شهر قرار گرفته و چهارباغ‌های معروف را تشکیل می‌دهند. در چهار باغها نیز علاوه بر تسلسل میان باغ اندر باغها، خیابان اصلی ارتباط به هر باغ را با سردر خانۀ معینی به وجود می‌آورد. ردیف‌های درخت‌های سایه-افکن و راهروهای عبوری با نهرهای آب توأمأً خیابان اصلی و گردشگاه بزرگ شهری را شکل می‌داده‌اند.

3- نظام آبیاری

حضور آب و شکل حرکت آن عمده‌ترین بخشها از نظام آبیاری می‌باشد. آب در نقطه‌ای ظاهر می‌شود که بتواند سراسر باغ را آبیاری کند. بنابراین از موقعیت مربوط به عوارض زمین تبعیت میکند.

زمانی که جریان آب در باغ به خاطر کم بودن آن به اندازه‌ای نیست که کرت‌ها را به طور دائم آبیاری کند، آب در استخری جمع شده و بعد از آن دفعتاً و با سرعت در نهرها جریان می‌یابد. در چنین حالتی نیز حرکت آب منظم بوده و استخر ذخیره نیز از عناصر تشکیل‌دهندۀ نظام آبیاری می‌گردد و در شکل استقرار خود به نظم هندسی باغ نیز توجه دارد.

جریان آب علاوه بر تأکید گذاردن بر محورهای اصلی و فرعی، از طریق نهرها و جوی‌ها و حوض‌ها و حوضچه‌ها و آب‌شورها و فواره‌ها در باغ به صورتی حرکت می‌کند که بتواند تمام کرتها را آبیاری نماید. آب، علاوه بر نقش عملکردی و حیات بخشی که در آبیاری گیاهان دارد، نقش بارزی را در زمین آرای و در ایجاد صفا در باغ و همچنین ایجاد اصوات دلپذیر به ویژه در آب شورها به عهده می‌گیرد. آب به شکل حوضهای بزرگ، فواره‌ها و آب‌شورها و حرکت در درون و برون فضاها و با بازتاب‌ها و تالووها بر ارزش و اهمیت «روان باغ» می‌افزاید.

مطالعه و پژوهش می‌باید اهمیت بیشتر نقش باغ را در هنر شهرسازی آشکار سازد. به ویژه در گذشته ارتباط پیوسته‌ای میان عناصر عمده شهری مانند میدان و یا بناهای عمومی تاریخی هم از نقطه نظر عملکردی و هم از نظر منظر شهری وجود داشته است که تعریف روشنی از ساختار شهر را به دست می‌داده-اند. باغ به خاطر مصنوع بودنش، اثر هنری است و به خاطر ارزش فرهنگی معمارانه و محیطی‌اش میراث تمام جماعتی است که از آن بهره‌مند می‌شوند.

4- نظام گیاهی

در باغ ایرانی کاشت گیاهان نظم معین خود را دارد، درختان سایه‌افکن در دو طرف مسیرهای باغ قرار می‌گیرند که بر

مسیرهای محوری با توجه به اهمیت آنها و با اتکا به نوع درخت سایه‌افکن تأکید می‌گذارند. این درختان مواقعی تنها یک نوع درخت می‌باشند مانند چنار و مواقعی دو نوع مانند چنار و سرو. در دور باغ در جوار دیوار، مسیر حرکت وجود دارد که در آنجا نیز درختان سایه‌افکن، و یا سایه‌افکن دارای میوه مانند گردو، به طور ردیفی در کنار نهر قرار می‌گیرند. در محورهای فرعی که محور اصلی را به طور قائم قطع کرده و مسیرهای بین کرت‌ها را تشکیل می‌دهند نیز درختان سایه‌افکن به طور ردیفی حضور دارند.

حرکت آب معمولاً در این مسیرها با ایجاد حوضچه‌ها و حوضها و نهرها در مقیاس مناسب جریان دارد و در کرت‌ها می‌توانند از آنها آبیاری شوند. در میان کرت، درختان میوه قرار می‌گرفته‌اند که بر اساس انواع قابل رشد در اقلیم معین تفاوت می‌کرده‌اند. برای نمونه باغ دلگشای شیراز به غیر از درختان سایه‌افکن اطراف مسیرها در کرت‌های خود، درختان نارنج دارد که بوی دل‌انگیز آنها در بهار هنگامه می‌کند.

در باغ ایرانی زمانی سطح کرت‌ها به اندازه‌ای پایین‌تر از سطح راههای محوری قرار می‌گیرند که پیاده‌رونده به راحتی می‌تواند از میوه درخت نزدیک محور استفاده کند. زمانی که حضور گل در باغ و در کرت‌های آن کثرت می‌یابند، نوع گل‌ها، رنگ و بوی آنها اهمیت پیدا کرده و با نظم و ترتیب در باغ کاشته می‌شوند. در چنین وضعی باغ را گلستان یا گل‌کشت یا گلزار نام نهاده‌اند و در صورتی که تنها یک نوع گل، غالب باشد، باغ نام آن گل را به خود می‌گیرد، مانند «لاله‌زار».

نتیجه

حضور باغ در طرح اندازی شهر

صرف‌نظر از حضور باغ در ادبیات فارسی و همچنین متون آگاهی‌دهنده از باغ ایرانی (گزارش کلاویخو در ملاقات تیمور)، آثار تاریخی بی‌شماری، مانند باغ اندر باغهای سامره باقی مانده در شهر سامره، و باغهای مختلف هند گورکانی، از جمله باغ قلعه‌ها و باغ مقبره‌های معروف، هنوز موجود می‌باشند و از آنها حفاظت می‌گردد. اسناد ادبی و متون گزارشی دیگری وجود دارد که اهمیت باغ را در هنر شهرسازی نمایان می‌سازند. بازخوانی ادبیات فردوسی نمونه بارزی از نقش باغ در شهرهای کهن ایرانی بوده است.

بنا کرد جایی چنان دلگشای
یکی شارسان اندر آن خوب جای
بدو کاخ و ایوان و میدان بساخت
درختان بسیاریش اندر نشناخت
درختان بسیار و آب روان
همی شد دل سال خورده جوان
نبینی در آن شهر بیمار کس
یکی بوستان از بهشت است و بس

گزارش‌های کلاویخو نقش باغ را در شهر سمرقند به حدی آشکار می‌سازد که بازسازی تصویری آنها کار مشکلی نیست. گزارشهای مربوط به تجار ونیزی به شرق نیز گویای ارزنده‌ای از نزدیکی شهر و طبیعت و حتی شهرهای چادری در میان باغها مزارع می‌باشند. در شهرهای سلجوقی نیز علاوه بر اطلاعات منتجه از مطالعات متون، آثاری از باغها موجود است و نقش آنها در شهر هنوز باقی می‌باشد. در دوره صفوی هنر باغ‌سازی ایران در طرح‌اندازی شهرهای بزرگ آن دوره به ویژه در شهر اصفهان به روشنی مشخص است. طرح‌اندازی بر اساس چهار باغ و ایجاد باغهای حول محور اصلی شهر و ایجاد کوچه باغها و در زمانی که میسر هست ایجاد نهرهای شهری (مادی در اصفهان) و حرکت دادن آب در شهر و ایجاد خیابانها و مسیرهای پرسیاه مورد توجه می‌باشند.

میراث غنی کشور ما در مورد نقش باغ در ساختار شهری، امروزه می‌تواند راهنمای ارزنده‌ای در برنامه‌ریزی‌های شهری متکی بر مفاهیم طراحی شهری باشد. لکن متأسفانه فرهنگ توجه به طبیعت در زندگی امروزی، کمرنگ است. دره‌های دلکش البرز که به سمت شهر تهران زمانی «دلگشا» گسترده بوده‌اند امروز زیر رشد کور شهر جهان می‌کنند. باغهای تاریخی اصفهان بدون توجه به کیفیت باغ ایرانی به پارک در مفهوم فرنگی تبدیل شده‌اند. در میان باغ دلگشای شیراز که بوی گل نارنج آن در بهار دل‌افزا است، به طرز ناخردانه‌ای سرویس‌های بهداشتی قرار گرفته‌اند و دیگر از کوچه باغ‌های پیونددهنده حافظیه به سعدیه خبری نیست و از چهار باغ شیراز و باغهای اطراف آن که از دروازه‌ی قرآن به سمت گنبد حضرت شاه چراغ داشته‌اند دیگر صحبتی به میان نمی‌آید. در حالی که تنها باغ باقی مانده این محور یعنی باغ جهان‌نما هر روز بیشتر رو به ویرانی است.

مطالعه و پژوهش می‌باید اهمیت بیشتر نقش باغ را در هنر شهرسازی آشکار سازد. به ویژه در گذشته ارتباط پیوسته‌ای میان عناصر عمده شهری مانند میدان و یا بناهای عمومی تاریخی هم از نقطه نظر عملکردی و هم از نظر منظر شهری وجود داشته است که تعریف روشنی از ساختار شهری را به دست می‌داده‌اند. امروز متأسفانه اگر باغ تاریخی همانند باغ چهل ستون باقی مانده باشد ارتباط ساختاریش را در رابطه با شهر از دست داده است و این نقص از اهمیت نمود آن کاسته است. ارتباط امروزی بین میدان بسیار وسیع نقش جهان و باغ چهل ستون که در بالا به عنوان نمونه یادآوری شد تقریباً بلافصل انجام می‌پذیرد. در صورتی که این رابطه در گذشته از طریق فضاهای کوچک سرپوشیده‌ی میانی مانند ورودی‌ها و ملحقات آنها به وجود می‌آمده و در نتیجه روابط بین عناصر متشکله شهری در مفهومی روشن، دارای تسلسل‌های تعریف شده فضایی بوده و این عناصر متشکله شهری در عین تعلق به ساختار کلی، از نمود مستقل و جلوه‌ای ویژه برخوردار بوده‌اند.

در کشور ما - زادگاه پردیس، باغ اندر باغ و محورهای چهارباغی - هنوز به اهمیت ساختاری باغهای شهری و مرمت آنها پرداخته نشده است، این در حالی است که مرمت باغ در بسیاری از کشورهای جهان به مراحل عملی رسیده، پشتوانه علمی یافته و موضوعهای سمینارها و گردهمایی‌های بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند. در دسامبر 1981 به دنبال فعالیتهای مجمع عمومی ایکوموس (شورای بین‌المللی یادمانها و جایگاههای تاریخی)، در فلورانس بحث گسترده‌ای بر ضرورت توجه مناسب به حفاظت و مرمت باغهای تاریخی در گرفت. نتیجه آن منشور است که به خاطر ارزش هدایت‌کننده‌اش، برای آشنایی در اینجا آورده می‌شود:

1- باغهای تاریخی (باغهای منازل، قصرها، ویلاها، پارکها، باغهای گیاه‌شناسی، محدوده‌های باستان‌شناسی، فضاهای سبز مراکز شهری تاریخی و غیره) مجموعه‌های چندعنصری طراحی شده به دست انسان هستند که در بخش تعیین‌کننده‌ای با عناصر زنده ایجاد گردیده است و قلمرو زیست انسان را دگرگون می‌سازند و وضعیتی طبیعی را تحمیل می‌کنند.

باغ به خاطر مصنوع بودنش، اثری هنری است و به خاطر ارزش فرهنگی معمارانه و محیطی‌اش میراث تمامی جماعتی است که از آن بهره‌مند می‌شوند.

باغ هم مانند منابع تاریخی دیگر دارای فرآیندی از توسعه و تاریخ مخصوص به خود (تولد، رشد، دگرگونی و افول) می‌باشد که جامعه و فرهنگی که آن را ایجاد کرده است و به هر حال در ارتباط با آن قرار دارد را منعکس می‌کند.

2- باغ تاریخی تا آنجا که به روش و شکل‌های مداخله مربوط می‌شود منشور مرمت مربوط به سال 1964 و اختیارات مربوط به 1972 را به خود اختصاص می‌دهد. بر پایه اصول مشخص شده در آنها و گفتگوهای بعدی که به دنبال آنها مطرح شدند، مداخله و مرمت می‌باید به جمیع فرآیند تاریخی باغ احترام بگذارد. زیرا چنین فرآیندی تکامل تدریجی ساختار و شکل‌یابی که به مرور زمان به دست آمده است را واقعیت می‌بخشد.

بدین خاطر هر عملی که سعی در ارجح دانستن مرحله واحد به دست آمده در دوره معینی از تاریخ را داشته باشد و آن را به صورت اکنون نو شده به مراحل بعدی درآورد متحمل لایه برداری از اثر شده و به کسرسازی و دقیقاً ضد تاریخ می‌گراید.

بنابراین مداخله مرمت می‌باید خود را به مداخله‌ای از حفاظت، یکسان سازد.

باغهای تاریخی خارج از مجموعه‌های شهری چه به صورت بافت کشاورزی و جنگلی باشند و چه در مفهوم محیطی عمل کنند و چه مکانی برای فعالیت‌های تولیدی باشند از شرایط مربوط به خود جدا شدن نیستند. بنابراین حفاظت باغ تاریخی از اقدامات برنامه‌ریزی و طرح‌اندازی منابع (آثار تاریخی) که در جهت متعادل ساختن کل زمین صورت می‌گیرد جدانشدنی است. حفاظت باغ تاریخی در این مفهوم می‌باید از اتحاد مربوط به معماری بنا و باغ گرفته تا زیرساخت‌های خارجی (شبکه راهی، میدان‌های ورودی، دسترسی، نهرها، شبکه‌های آبیاری، آب‌نماها و الخ) را دربرگیرد.

4- شناخت جستجوی مستقیم و ارتباط با اسناد، مدارک و ضوابط، و ... (درجایی که برای استفاده مناسب ضروری باشند) هنوز از نیازمندی‌های مقدماتی هر نوع کار مداخله‌ای به نظر می‌رسند.

باغ تاریخی به طور جبری در تمام اجزای متشکله آن (معمارانه، گیاهی، آبی، زمین‌شناختی، توپوگرافیک، محیطی و الخ) تحت مطالعه قرار می‌گیرد.

این مطالعه از طریق بررسی اسناد و مدارک و متون تاریخی و ادبی و طی نقشه برداری توپوگرافیک و همچنین بررسی نقشه‌های ثبتی کهنه و هر منبع تصویری ممکنه دیگر و در جایی که ضروری می‌باشد، طی جستجوی باستان‌شناسی مستقیم کامل می‌شود. چنین مطالعه تحلیلی و قیاسی مشارکت همکارانه بسیاری از رشته‌های خاص را می‌طلبد.

سازمان میراث فرهنگی کشور در سال 1374 فرصتی را به وجود آورد تا مرمت باغ دلگشای شیراز همراه با پاسخ به نیاز وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد کتابخانه تخصصی در گستره آن باغ ایجاد گردد. در این فرصت با توجه به رهنمودهای گردهمایی Icomos تهیه طرح مرمت باغ دلگشا و ایجاد کتابخانه مورد تقاضا آغاز گردید. در بدو امر دو موضوع مرمت باغ و ایجاد کتابخانه متناقض به نظر می‌آمد. لکن بعد از مطالعات و بررسی‌های انجام شده روی باغ‌های ایرانی و توجهات لازم به نظام ساختاری آنها این رهنمود به دست آمد که بناهای تعریف‌کننده نظام ساختاری باغ مانند سردر خانه، کوشک، بالاخانه، و دیگر ملحقات ساختمانی می‌توانند با حفظ مناسبت خود در باغ به نیازهای مختلف کتابخانه پاسخ دهند. بدین ترتیب، سردرخانه با ورودی، کوشک با موزه کتاب، بالاخانه با تالار قرائت، و همچنین «مظهر خانه» با چای‌خانه کتابخانه قرابت یافت. دیگر نیازمندی‌های کتابخانه با تأکید بر خطر آسمان و محصوریت باغ ایرانی در جداره‌های پیرامونی قرار گرفته و ضمن تأکید به هندسه گستره باغ، حصار باغ تاریخی دلگشای شیراز را شکل دادند.

مرمت باغ نیز به بازسازی نظام آبیاری و نظام گیاهی به گونه‌ای پرداخت که علاوه بر جریان منطقی آب برای آبیاری کرتها و درختهای ردیفی سایه‌افکن و تأکیدگذاری بر محورهای اصلی و فرعی باغ تاریخی و همچنین بازسازی مظهر خانه باغ دلگشا، موجباتی فراهم آورد که «روان باغ» با «روح غور» در فضای باز کتابخانه تلفیق گردید.

باغ‌های تاریخی اصفهان بدون توجه به کیفیت باغ ایرانی به پارک در مفهوم فرهنگی تبدیل شده‌اند. در میان باغ دل گشای شیراز که بوی گل نارنج در بهار آن

دل‌افزا است، به طرز نابخردانه‌ای سرویس‌های بهداشتی قرار گرفته‌اند و دیگر از کوچه باغ‌های پیونددهنده حافظیه به سعدیه خبری نیست.

نظام گیاهی توجه ویژه‌ای نسبت به وضع گیاهان موجود داشت. کرت‌های متعلق به درختان نارنج همچنان باقی مانده است و تنها به بهتر شدن وضع درختان آن پرداخته شد. لکن از آنجا که درخت‌های تزئینی مانند نخل خرما که در تاریخهای مختلف در باغ بدون توجه به نظم گیاهی کاشته شده بودند، نمی‌توانستند دعوتاً قطع گردند، پیشنهاد شد که بعد از غرس درختهای سایه افکن اصلی با رعایت نظام گیاهی باغ ایرانی و رشد کافی آنها درختهای خارج از نظام گیاهی باغ به جای دیگری منتقل گردند.

ساختمانهای نامناسب به ویژه سرویس‌های بهداشتی که با بی-توجهی هر چه بیشتر در میان باغ قرار گرفته شده بودند برداشته شدند و بناهای مربوط به خدمات باغ از جمله سرویس‌های بهداشتی در وضع مناسب در بین دو دیوار خارجی باغ واقع شده و با رابطه غیرمستقیمی از طریق حیاطی کوچک با باغ در ارتباط قرار گرفته‌اند.

فضاهای میانی بین باغ و بناهای متعلق به کتابخانه از عناصر متشکله‌ای می‌باشند که علاوه بر تعریف ارتفاع مناسب خط آسمان باغ، پیوند فضایی مطلوبی با ایجاد سایه روشن‌های لازم بین باغ و فضاهای ساخته شده متعلق به کتابخانه به وجود آوردند که در تعریف و تشدید شخصیت باغ ایرانی نقش به جای خود را ایفا می‌کنند.

فرصت مطالعات مربوط به مرمت باغ دلگشا در شیراز که متأسفانه بعد از گذشت زمانی طولانی هنوز جامه عمل به خود نپوشانده و موضوع مربوط به مرمت «باغ‌های ایرانی» را جنبه عملی نبخشیده است، باعث گردید به شناسایی دیگر باغهای تاریخی شیراز و رابطه آنها در ساختار شهر پرداخته شود. محور چهار باغ شیراز از دروازه قرآن تا گنبد حضرت شاه چراغ بازسازی تصویری شد و محور حکومتی زمان صفوی که در ضلع جنوبی رودخانه بود و با این محور تقاطع داشت تعریف گردید. در انتهای غربی این محور باغ شاه شیراز و در جلوی آن میدان چوگان قرار داشتند که همگی در بازسازی تصویری از طریق مطالعات اسناد تاریخی به ویژه طرح‌های کشف شده «انگلبورت کمپفر» در 10

سال گذشته تعیین مکان گردیدند و در نهایت تصویری به دست آمد که نقش باغها را در ساختار تاریخی شهر شیراز بازتاب می‌دهد.

مرمت باغ در بسیاری از کشورهای جهان به مراحل عملی رسیده، پشتوانه‌ی عملی یافته و موضوع‌های سمینارها و گردهمایی‌های بین‌المللی را به خود اختصاص داده است.

باغ دلگشای شیراز در حالی در انتظار مرمت شایسته خود باقی مانده است که حفاظت از محیط طبیعی در زندگی انسان یکی از مهمترین موضوعات روز را در سراسر جهان تشکیل می‌دهد. مرمت و بازسازی باغهای ایرانی و توجه به اهمیت آنها در شکل دادن به شهرها یکی از عمده‌ترین وظایف ایجاد گرانه در کشور ما می‌باشد. به ویژه هنگامی که می‌توانیم با شناسایی و معرفی فرهنگ باغ و با اتکا به تمدن گذشته ایران و مفاهیم عقیدتی و رفتاری در هسته‌های این تمدن درباره ارتباط بین انسان و طبیعت، و توجه به نقش طبیعت در زندگی انفرادی و زندگی جمعی در شهر، زمینه مساعدی را در عرصه گفتگوهای سازنده جهانی ارائه دهیم.

منابع:

- 1- برای باغ‌های تاریخی ایران رجوع شود به کتاب‌نامه‌ی گزارش «طرح باغ - کتابخانه دلگشا، شیراز، سازمان میراث فرهنگی کشور - سال 1374» در اینجا تنها به معرفی چند کتاب مرجع بسنده شده است:
- 2- آریان‌پور، علی‌رضا، (1365)، پژوهشی در شناخت باغهای ایرانی و باغهای تاریخی شیراز، چاپ اول، ناشر فرهنگسرا، تهران.
- 3- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی (1338)، روضات‌النجات فی اوصاف مدینه هرات، دانشگاه تهران، تهران.
- 4- افشار، ایرج، یادگارهای یزد (سه جلد)، «باغ دولت‌آباد»، ص 746 - ص 729، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی 116، تهران 1354.
- 5- الثاریوس، آدام، (1635م)، سفرنامه.
- 6- باغ شهر: ایده‌های ایرانی یا اروپایی، هنر و مردم، سال 9، شماره 43 و 44 آذر، اسفند 1356.

- 7- بهاری، فخری، ساختمان و باغ جهان‌نما، شیراز.
- 8- هنر و مردم شماره 147 (آبان 1353) ص 66-ص 68.
- 9- پیرنیا، محمدکریم (1373)، «باغ‌های ایرانی»، مجله آبادی سال چهارم، شماره 15 زمستان 1373
- 10- جعفری، جعفر بن حسن، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1343.
- 11- دانشدوست یعقوب، 1369، طبش شهری که بود (باغهای طبس)، سازمان میراث فرهنگی کشور و انتشارات سروش، تهران 1369.
- 12- دلاواله، پیتر، (1617م)، سفرنامه ترجمه و شرح حواشی از شعاع‌الدین شفا.
- 13- شاردن (1617م)، سیاحت‌نامه، ترجم محمد عباسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1349.
- 14- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد به کوشش ایرج افشار، تهران ابن سینا، 1345.
- 15- کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران 1344.
- 16- کمپفر، انگلبرت، (1684م)، سفرنامه.
- 17- گدار، آندره، محمدتقی مصطفوی، چهار باغ اصفهان، آرشیوتکت، بهمن (1326) ص 158-ص 160.
- 18- مافروخی، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد بن ابی‌الرضا آوی، به اهتمام عباس اقبال، تهران 1328.
- 19- مصطفوی، یک گوشه از بهشت در کنار کویر، باغ فین، اطلاعات ماهانه شماره 77 (مرداد 1333)، (ص 12 و 13 و 50)
- 20- نراقی، حسن، باغ شاه فین در کاشان، هنر و مردم شماره 14، آذر 1342، ص 36-ص 42
- 21- نراقی، حسن، جلوه‌های تمدن هخامنشی در آثار عهد صفویه باغ تاج آباد و باغ و عمارت تاج آباد نطنز هنر و مردم شماره 127، اردیبهشت 1352، ص 57-ص 73
- 22- ویلبر، دونالد، باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن ترجمه مهین-دخت‌صبا، چاپ تهران 1348)
- 23- هروی، قاسم بن یوسف ابونصر (921ه.ق) ارشادالزاعه، تهران 1356، ص 282-ص 281-ص 280.
- 24- هولنسر، ارنست، ایران در یکصد و سیزده سال پیش تهیه و ترجمه محمد عاصمی از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

Il giardino islamico
Architettura, natural, Paesaggio
1994 by Electa, Milano

- 26- Elemond Editori Associati
Tutti diritti riservati
- 27- Vooks.j. (1987), Gardens of paradise ,The
History and Design of the Great Islamic
Gardens Londen Ettinghausen, R. & Mac
Dougall, E.B. eds. 1967 The Islamic Garden
Washington, D.C. 1978.
- 28- Grabar.o.(1978) ,The Alhambra
Gambridge,Mass, 1978
- 29- Moore, C.W.(1979),La Poetica dei
Giardini. Ed.Englan 1988, Masschusetts
Institute of Technology 1991.Franco Muzzio
- 30- Moynihan,E.B.(1979),Paradise as Garden
in Persia and Mughal India, New York.
- 31- Pope, A.Y. and Ackerman, Ph. (1936),
“Gardens”, S.P.A, chapter 44,PP.1427-1445
- 32- Stronach D. (1978), Padsrgadae, 1978,
A report on the excavations conducted by
the British Institute of Persian studies
from 1961-1963 (Oxford:1978) pp. 108-112
- 33- Titeley, N. & Wood,F (1991) Oriental
Gardens, The British Library Board
- 34- Wilber, D.N. (2nd ed.1979)
Persian Gardens and Garden Pavilions,
Dumbarton Oaks Washington, D.C.
- 35- Xenophon, The Oeconomicus, Trans. By
C.Lord from Xenophon's Scotic
Discourse. ,An Interpretation of the
Oeconomicus,Les Strauss (Ithaca
London:1970) pp.19-22.